

ارغوان

اثبات شهادت حضرت زهرا علیها السلام

در منطق صحابه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارغوان

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	ارغوان
۸	مشخصات کتاب
۸	انگیزه نگارش
۸	گفتار یکم: پرسش‌های بی طرفانه
۸	در مسیر پاسخگویی: گام اول
۹	گفتار دوم: کشف خشمی شدید و غضبی دائمی
۹	در مسیر پاسخگویی: گام دوم
۹	سند شماره ۱ و ۲
۹	سند شماره ۳ و ۴
۱۰	سند شماره ۵ و ۶
۱۰	سند شماره ۷
۱۰	سند شماره ۸
۱۰	سند شماره ۹
۱۰	سند شماره ۱۰
۱۰	سند شماره ۱۱
۱۰	سند شماره ۱۲ و ۱۳
۱۰	سند شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶
۱۱	سند شماره ۱۷
۱۱	[نتایج]
۱۱	نتیجه اول: [اختلاف مالی میان حضرت زهرا علیها السلام و نظام حاکم]
۱۱	اشاره
۱۱	سند شماره ۱

- ۱۱ سند شماره ۲
- ۱۱ سند شماره ۳
- ۱۲ سند شماره ۴
- ۱۲ سند شماره ۵
- ۱۲ نتیجه دوم: [خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام از دستگاه حکومت تا پایان عمر]
- ۱۲ اشاره
- ۱۲ [موضع گیری در سه مرحله]
- ۱۲ مرحله اول:
- ۱۲ مرحله دوم:
- ۱۲ مرحله سوم:
- ۱۳ [موضع گیری در چهار مرحله]
- ۱۳ مرحله اول:
- ۱۳ مرحله دوم:
- ۱۳ مرحله سوم:
- ۱۳ [اسناد]
- ۱۳ سند شماره ۱
- ۱۳ سند شماره ۲
- ۱۳ سند شماره ۳
- ۱۴ سند شماره ۴
- ۱۴ جمع بندی
- ۱۴ نتیجه سوم
- ۱۴ اشاره
- ۱۴ سند شماره ۱
- ۱۴ سند شماره ۲

- سند شماره ۳ ۱۴
- سند شماره ۴ ۱۴
- گفتار سوم: پیوندی ناگسستنی میان خشم و بیماری ۱۵
- در مسیر پاسخگویی: گام سوم ۱۵
- گفتار چهارم: مرگی مظلومانه ۱۵
- در مسیر پاسخگویی: گام چهارم ۱۵
- گفتار پنجم: واکنشی معصومانه و خداپسندانه ۱۶
- در مسیر پاسخگویی: گام پنجم ۱۶
- گفتار ششم: شهادت در منطق صحابه ۱۶
- در مسیر پاسخگویی: گام آخر ۱۷
- پی‌نوشت ۱۷
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۹

ارغوان

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳ - گردآورنده عنوان و نام پدیدآور: ارغوان: اثبات شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام در منطق صحابه / به اهتمام علی لباف. مشخصات نشر: تهران: منیر ۱۳۸۸ مشخصات ظاهری: ۴۰ ص. شابک: ۹۵۰۰۹۷۸۰۵ - ۱۳۱ - ۵۳۹ - ۹۶۴ وضعیت فهرست نویسی: فاپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: اثبات شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام در منطق صحابه. موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - نظر اهل سنت موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - شهادت - - ماخذ موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - تعقیب و ایزاء رده بندی کنگره: ۴الف ۲ل / ۱۳۸۸۲ / ۲۷BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۶۱۹۶

انگیزه نگارش

شبکه ماهواره‌ای «المستقله» اقدام به پخش برنامه‌ای زنده از تاریخ ۱ / ۴ / ۱۳۸۷ با هدف نقد و بررسی «حضرت به شهادت رسیدن زهرا علیهاالسلام» نمود. موضوع این برنامه که هشت شب متوالی ادامه داشت، بر اساس آنچه در زیرنویس‌های تبلیغی این شبکه بارها بر آن تأکید می‌شد، طرح این ادعا بود که: «حضرت زهرا علیهاالسلام به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند.»! دقت در مباحث مطرح شده در این برنامه، به وضوح حاکی از آن بود که دست اندرکاران این شبکه ماهواره‌ای، تلاش دارند تا در گذشت حضرت زهرا علیهاالسلام را به عنوان یک «مرگ عادی و طبیعی» جلوه دهند: یعنی «مرگی که با عملکرد دستگاه خلافت، هیچ گونه ارتباطی نداشته و با رفتارهای متصدیان خلافت، هیچ گونه پیوندی ندارد.» در هنگام تأمل در زیرنویس‌های تبلیغی این برنامه، پرسشی به ذهنم خطور کرد که انگیزه اصلی نگارش این کتاب را فراهم آورد: آیا می‌توان تنها با استناد به منابع معتبر اهل سنت، «وقوع مرگ عادی و طبیعی = مرگی بی ارتباط با عملکرد متصدیان ادعای خلافت»؟ را زیر سؤال برد و آن را در معرض ابهام و تردید جدی قرار داد به عبارت دیگر: آیا می‌توان ادعای «طبیعی بودن و وقوع عادی مرگ = مرگی بی ارتباط با رفتارهای نظام حاکم» را از حالت یک پاسخ «انحصاری» خارج ساخت و جایگاه آن را از یک «نتیجه قطعی»، به یک «احتمال ظنی» در کنار احتمال مرگ غیر طبیعی پایین آورد و فرو کاست؟

گفتار یکم: پرسش‌های بی طرفانه

در مسیر پاسخگویی: گام اول

برای لحظاتی خود را در مقام پژوهشگری فرض کردم که از حوادث سیاسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مختصر خبری دارد (۱) و اینک، از شنیدن خبر مرگ زود هنگام حضرت زهرا علیهاالسلام که با فاصله کوتاهی پس از رحلت پدرش رخ داد، کنجکاویش برانگیخته شده و لذا، سعی دارد به بازخوانی ماجرای درگذشت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله پردازد. ابتدا سعی کردم ذهنم را به طور کامل از همه دانسته‌های قبلیم درباره شهادت آن بانو علیهاالسلام تهی سازم و سپس، همه دانسته‌هایم درباره حوادث سیاسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مندرجات کتب اهل سنت منحصر گردانم. یعنی فرض کردم که پژوهشگری هستم بی طرف، که نه تنها هیچ یک از کتاب‌های شیعیان در اختیارش نمی‌باشد؛ بلکه از دیدگاه شیعیان در خصوص علل و نحوه درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام نیز هیچ اطلاعی ندارد و در این میان، تنها نکته‌ای که او را به بازنگری

در این مسأله واداشته، کوتاهی دوران حیات آن بانو علیهاالسلام پس از جابجایی قدرت سیاسی در سقیفه‌ی بنی ساعده و مرگی زود هنگام آن هم در سنین جوانی می‌باشد. اگر برای دقایقی خود را به جای من در چنین موقعیتی قرار دهید، به خوبی درک خواهید نمود که چگونه یک محقق، از شنیدن خبر مرگ زود هنگام حضرت زهرا علیهاالسلام، به فکر فرو می‌رود و متعجب می‌شود. تعجبی برخاسته از شایدهای فراوان که او را به بررسی و مطالعه دوباره روزهای پایانی حیات آن حضرت علیهاالسلام فرا می‌خواند: آیا این مرگ زود هنگام، می‌تواند در ارتباط با خروج قدرت سیاسی از بنی هاشم و جابجایی حاکمیت در سقیفه بنی ساعده قرار گیرد؟ آیا می‌توان میان وقوع این مرگ زود هنگام و مخالفت‌های اهل بیت علیهم السلام با روند حاکم بر نظام سیاسی جامعه، رابطه‌ای برقرار ساخت؟ آیا می‌توان از کنار مرگ اعضای خانواده‌ی یک رهبر دارای قدرت سیاسی آن هم در فاصله‌ی اندکی پس از وقوع اختلاف بر سر جانشینی آن رهبر، به سادگی گذر کرد؟

گفتار دوم: کشف خشمی شدید و غضبی دائمی

در مسیر پاسخگویی: گام دوم

در مسیر این تحقیق، قبل از هر چیز باید به دنبال گزارش‌هایی می‌گشتم که وضعیت جسمانی و یا اوضاع و احوال روحی آن حضرت علیهاالسلام را در روزهای پایانی حیاتش، برایم ترسیم نماید. دستیابی به هر گونه گزارشی در این زمینه، به قضاوت نهایی ام درباره علت مرگ زود هنگام آن حضرت علیهاالسلام، کمک شایانی می‌نمود. روزها گذشت ... سخنگویان شبکه المستقله مدعی بودند: درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام هیچ گونه ارتباطی با عملکرد دستگاه خلافت نداشته و میان مرگ آن بانو با رفتارهای متصدیان حکومت وقت، هیچ گونه رابطه‌ای یافت نمی‌گردد. در حالی که مطالعات من در این مدت، نشان می‌داد که مرگ حضرت زهرا علیهاالسلام، در حالتی از فوران خشم و غضب نسبت به صاحبان قدرت و متصدیان خلافت، رخ داده است. من که این گزارش‌ها را پس از ساعت‌ها جستجو، از معتبرترین منابع اهل سنت به دست آورده بودم، هرگز نمی‌توانستم با ساده انگاری آنها را به باد فراموشی بسپارم؛ چرا که محتوای این گزارش‌ها، می‌توانست در تعارضی واضح و آشکار با ادعای «مرگ عادی و طبیعی حضرت زهرا علیهاالسلام = مرگی بی ارتباط با عملکردهای متصدیان خلافت» قرار گیرد و آن را با چالشی جدی مواجه سازد. این گزارش‌ها، از وقوع یک سری اختلاف‌های مالی میان حضرت زهرا علیهاالسلام و نظام حاکم خبر می‌داد؛ (۲) اختلافی جدی که چندین هفته قبل از درگذشت آن بانو رخ داده و نقطه پایان بخش آن، خشمناکی شدید حضرت زهرا علیهاالسلام از عملکرد متصدیان خلافت بود. عروۀ بن زبیر از عایشه نقل کرده است که:

سند شماره ۱ و ۲

فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک، فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت (۳ ... ۳) [در ماجرای اختلافات مالی و مواجهه با عکس العمل ناعادلانه خلیفه] فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد؛ پس با او قطع رابطه کرد و [به نشانه اعتراض و روی برگرداندن از ابوبکر] با او سخن نگفت تا از دنیا رفت ...

سند شماره ۳ و ۴

فغضبت فاطمه بنت رسول الله، فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرة حتى توفیت. (۴) فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد و با او قطع رابطه کرد و این قطع رابطه و قهر وی تا وفاتش ادامه یافت.

سند شماره ۵ و ۶

فهرته فاطمه، فلم تکلمه حتی ماتت. (۵) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد؛ پس با ابوبکر سخن نگفت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۷

وجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک. (۶) [در ماجرای مطالبه حقوق مالی، یعنی: دادخواست استرداد میراث، فیء، فدک و مابقی خمس خیبر] فاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

سند شماره ۸

فغضبت فاطمه فهرته فلم تزل بذلک حتی توفیت. (۷) [در ماجرای دادخواست مالی از ابوبکر] فاطمه خشم گرفت و غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۹

فغضبت و هجرت ابابکر حتی توفیت. (۸) [در ماجرای حقوق مالی و مطالبه آن، فاطمه علیهاالسلام] بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۰

فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک، فهرته فلم تزل مهاجرته حتی توفیت. (۹) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و با او قطع رابطه نمود تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۱

فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهرته، فلم تکلمه حتی توفیت. (۱۰) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد و با او قطع رابطه کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۲ و ۱۳

فوجدت فاطمه علی ابی بکر من ذلک. (۱۱) [ابوبکر از استرداد اموال غصب شده امتناع کرد] و بدین جهت، فاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

سند شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶

فغضبت فاطمه فهرته فلم تزل مهاجره له حتی توفیت. (۱۲) [در ماجرای حقوق مالی] فاطمه غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۷

فغضببت فاطمه و هجرته فلم تکلمه حتی ماتت. (۱۳) [در ماجرای غضب اموال توسط ابوبکر] فاطمه غضبناک شد و او را ترک کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت. تمامی این گزارشها، از وقوع تردیدناپذیر خشمی شدید و غضبی دائمی سخن می‌گفت که تا پایان حیات حضرت زهرا علیهاالسلام، لحظه‌ای خاموش نگردید. (۱۴) دستیابی به چنین گزارش‌های تکان دهنده‌ای، مرا در تفکری عمیق فرو برد و با نتایج جدیدی مواجه نمود:

[نتایج]

نتیجه اول: [اختلاف مالی میان حضرت زهرا علیهاالسلام و نظام حاکم]

اشاره

چند هفته پیش از درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام، اختلافاتی مهم در زمینه حقوق مالی، میان آن حضرت علیهاالسلام و نظام حاکم، پدید آمد.

سند شماره ۱

عروة بن زبیر از عایشه نقل کرده است که: ان فاطمه بنت النبی ارسلت الی ابي بکر تسأله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدينة و فدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. (۱۵) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، خودداری ورزید.

سند شماره ۲

ان فاطمه بنت رسول الله ارسلت الی ابي بکر الصدیق تساله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدينة و فدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. (۱۶) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، اجتناب ورزید.

سند شماره ۳

ان فاطمه بنت رسول الله ارسلت الی ابي بکر الصدیق تساله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدينة و فدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. (۱۷) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، دریغ ورزید.

سند شماره ۴

و کانت فاطمه تسال أبابکر نصیبها مما ترک رسول الله من خیر و فِدک و صدقته بالمدينه فابی أبوبکر علیها ذلک. (۱۸) فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) را به وی پس بدهد. ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

سند شماره ۵

و کانت فاطمه تسال أبابکر نصیبها مما ترک رسول الله من خیر و فِدک و صدقته بالمدينه فابی أبوبکر علیها ذلک. (۱۹) فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) را به وی پس بدهد. ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

نتیجه دوم: [خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام از دستگاه حکومت تا پایان عمر]**اشاره**

این اختلافات، سرانجام به خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام بر متصدیان حکومت وقت منتهی گردید و این خشمناکی و غضب ورزی، از لحظه پیدایش آن، تا پایان حیات آن حضرت علیها السلام استمرار و تداومی شبانه روزی یافت و در طول چندین هفته متوالی، بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام سایه افکند. چنانچه در نقل صحیح بخاری (حدیث شماره ۶۲۳۰) به ترتیب، درباره موضع گیری‌های حضرت زهرا علیها السلام می‌خوانیم:

[موضع گیری در سه مرحله]**مرحله اول:**

فهجرته فاطمه. فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد.

مرحله دوم:

فلم تکلمه. لذا با او سخن نگفت.

مرحله سوم:

حتی توفیت. تا زنده بود، این سخن نگفتن ادامه داشت. توجه در این نقل، عبارت فلم تکلمه پس از عبارت فهجرته آمده است. به سخن دیگر، فلم تکلمه نتیجه و محصول (۲۰) فهجرته می‌باشد و به همین دلیل، نمی‌توان عبارت فلم تکلمه را به معنای «سکوت ناشی از قانع شدن» دانست. (۲۱) همچنین در نقل صحیح بخاری (حدیث شماره ۳۹۱۳) و نقل صحیح مسلم (حدیث شماره ۳۳۰۴)

به ترتیب، درباره موضع گیری‌های حضرت زهرا علیهاالسلام می‌خوانیم:

[موضع گیری در چهار مرحله]

مرحله اول:

فوجدت فاطمه علی ابی بکر. فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد.

مرحله دوم:

فهجرته. لذا با او قطع رابطه کرد.

مرحله سوم:

فلم تکلمه. لذا با او سخن نگفت. مرحله چهارم: حتی توفیت. این سخن نگفتن استمرار داشت، تا از دنیا رفت. توجه: در این نقل، عبارت «فهجرته» پس از عبارت «فوجدت علی ابی بکر» قرار دارد. به عبارت دیگر، «فهجرته» نتیجه و محصول «فوجدت علی ابی بکر» و فعل «فلم تکلمه» نتیجه و محصول دو فعل «غضب» و «قطع رابطه» می‌باشد و به همین دلایل، نمی‌توان آن را به «سکوت ناشی از قانع شدن» تفسیر کرد. جالبتر آن که دو فعل: فوق، یعنی «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» که فعل «فلم تکلمه» محصول و نتیجه این دو فعل می‌باشد، در نصوص متعددی قابل مشاهده است:

[اسناد]

سند شماره ۱

فغضبت فاطمه فهجرته فلم تزل بذلک حتی توفیت. (۲۲) فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد و تا زنده بود این حالت استمرار داشت.

سند شماره ۲

فغضبت و هجرت ابابکر حتی توفیت. (۲۳) [فاطمه] بر ابوبکر غضب کرد و تا زنده بود با او قطع رابطه نمود و غضبش [بر ابوبکر] استمرار داشت.

سند شماره ۳

فلم تزل مهاجرته حتی توفیت. (۲۴) تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه‌اش با ابوبکر استمرار و تداوم داشت.

سند شماره ۴

فلم تزل مهاجره له حتی توفیت. (۲۵) تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه‌اش با ابوبکر همواره ادامه داشت.

جمع بندی

با توجه به نصوص متعددی که از تحقق دو فعل «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» حکایت دارند، اشتباه است که فعل «فلم تکلمه» که با «فاء تفریع» و به دنبال فعل‌های «فوجدت علی ابی بکر» و «فهجرت» آمده است را به «سکوت ناشی از قانع شدن» معنا نماییم. تذکر منظور از عبارت «فلم تکلمه»، ترک هر نوعی از سخن گفتن است که آن سخن، دلیلی بر عدم اعراض محسوب شود.

نتیجه سوم

اشاره

این خشم پیوسته و غضب طولانی مدت، بسیار عمیق و شدید بود؛ به گونه‌ای که به «وصیت به دفن شبانه» منجر گردید برخی از اسناد «وصیت به دفن شبانه» را می‌توان در منابع ذیل یافت.

سند شماره ۱

المصنف (تألیف: عبدالرزاق صنعانی، متوفای ۲۱۱)، ج ۳، ص ۵۲۱

سند شماره ۲

تأویل مختلف الحدیث (تألیف: ابن قتیبه، متوفای ۲۷۶)، ص ۳۰۰

سند شماره ۳

انساب الأشراف (تألیف: بلاذری، متوفای ۲۷۹)، ج ۲، ص ۳۴

سند شماره ۴

الإستیعاب (تألیف: ابن عبدالبر، متوفای ۴۶۳)، ج ۴، ص ۱۸۹۸ • تذکری در حاشیه ابن ابی الحدید معتزلی (۲۶) (متوفای ۶۵۶) در ارزیابی نقل‌های «وصیت حضرت زهرا علیها السلام به دفن شبانه» می‌نویسد: بل يقع الإحتجاج بذلك علی ما وردت بالروایات المستفیضه الظاهره التي هی کالتواتر، انها اوصت بان تدفن لیلا حتی لا یصلی الرجلان علیها و صرح بذلك و عهدت فیه (... ۲۷)

...روایات مستفیضه (= متعدد) که در حد تواتر است، دلالت می‌کند که ایشان وصیت نمود که وی را شبانه دفن کنند؛ برای آن که آن دو مرد [ابوبکر و عمر] بر او نماز نخوانند. و به این خواسته‌اش تصریح و تأکید فرمود و بر انجام آن، پیمان گرفت...

گفتار سوم: پیوندی ناگستنی میان خشم و بیماری

در مسیر پاسخگویی: گام سوم

هرچه بیشتر به این نتایج دقت می‌کردم و به آنها می‌اندیشیدم، این پرسش‌ها در ذهنم بزرگتر جلوه می‌کرد: پرسش اول آیا می‌توان از تأثیرگذاری چنین خشم و غضبی شدید، پایدار و طولانی مدت، بر جسم و جان حضرت زهرا علیهاالسلام چشم پوشی کرد و آن را نادیده انگاشت؟ پرسش دوم آیا این گونه خشمناکی و غضب ورزی، آن هم در روزهای واپسین حیات حضرت زهرا علیهاالسلام، از هیچ گونه تأثیرگذاری جانکاهی بر جسم حضرت زهرا علیهاالسلام برخوردار نبوده است؟ پرسش سوم آیا هیچ ارتباطی میان مرگ زودهنگام حضرت زهرا علیهاالسلام و فرود آمدن چنین موجی از خشم و غضب بر جسم و جان آن حضرت علیهاالسلام، برقرار نمی‌باشد؟ در نخستین روزهایی که به این پرسش‌ها فکر می‌کردم و پاسخ آن‌ها را در ذهنم مرور می‌نمودم، با خود می‌اندیشیدم که: □ چنین حجم عظیمی از خشم و غضب، اگر شبانه روز، با جسم و جان فردی همراه شود، حتما در طول چندین هفته، قادر خواهد بود که عوارض جسمانی جانکاهی را با خود به همراه آورد. آن روزها در این اندیشه به سر می‌بردم که: □ اگر چنین خشم عمیق و غضب دامنه داری، روزهایی متمادی با جسمی سالم همراه گردد، چه بلایی بر سر آن خواهد آورد و آیا همچنان، مرگی که در پی این همراهی رخ می‌دهد را می‌توان مرگی «عادی و طبیعی»؟! خواند ولی امروز با پرسش جدیدی در ذهنم مواجه شدم که عمق فاجعه را برایم آشکار می‌ساخت: پرسش چهارم □ اگر چنین خشم و غضبی، بر جسمی «بیمار» فرود آید و روزهای متمادی همراهش گردد، سرانجام، با آن «بیمار» چه خواهد کرد؟ هنگامی که صفحات تاریخ را با دقت بیشتری ورق بزیم، با نشانه‌های تردیدناپذیری از «بیماری» حضرت زهرا علیهاالسلام مواجه می‌گردیم (۲۸): لما مرضت فاطمه علیهاالسلام المرضه التي توفيت بها دخل النساء عليها فقلن كيف اصبحت من علتك يا بنت رسول الله؟ هنگامی که فاطمه بیمار شد یعنی همان مرضی که بر اثر آن از دنیا رفت زنان [مهاجران و انصار] به عیادت او آمدند و پرسیدند: با این بیماری چگونه‌اید، ای دختر رسول خدا؟ قالت: اصبحت و الله عائفه (۲۹) لدنياكن قالیه (۳۰) لرجالکن (... ۳۱) فرمود: به خدا سوگند، چنین شده‌ام که به دنیای شما بی‌میل و از مردانتان متنفرم. (۳۲) با خود می‌اندیشیدم: بی‌شک، خشم و غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر نظام خلافت، نه تنها می‌توانسته این بیماری را به درازا بکشاند و روند بهبودی آن را با تأخیر مواجه سازد، بلکه فراتر از آن، می‌تواند از عوامل شدت یافتن این بیماری محسوب گردد. بدین ترتیب، احتمال برقراری پیوندی میان بیماری و مرگ، بر اثر شدت غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر دستگاه خلافت، قوت بیشتری پیدا می‌کند و ادعای مرگی طبیعی و بی‌ارتباط با عملکرد متصدیان حکومت را در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو می‌برد.

گفتار چهارم: مرگی مظلومانه

در مسیر پاسخگویی: گام چهارم

شاید اگر با دقت بیشتری صفحات تاریخ را ورق بزیم، به نشانه‌هایی پنهان از دلایل پیدایش بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام نیز دست یابیم؛ (۳۳) اما آنچه در این مرحله می‌خواهم بر آن تأکید بورزم، توجه به این نکته است که: منشأ پیدایش این بیماری، هر چه که باشد و این بیماری به هر دلیلی که پدید آمده باشد: (۱) تردیدی نیست که: □ این بیماری آن قدر قابل توجه و حائز اهمیت بوده

است که زنان مهاجر و انصار را به عیادت آن بانو علیهاالسلام آورده است. □ این بیماری آن قدر ادامه و استمرار یافته است که به درگذشت آن بانو علیهاالسلام متصل گردیده است. (۲) تردیدی نیست که: □ این بیماری با خشم عمیق و غضب شدید آن بانو علیهاالسلام بر نظام خلافت قرین و همراه بوده است. □ خشم و غضب آن بانو علیهاالسلام نیز به دلیل عملکردهای ناعادلانه‌ی نظام خلافت در مواجهه با غضب حقوق اجتماعی آن حضرت علیهاالسلام رخ داده است. (۳) تردیدی نیست که: □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای نابخشودنی متصدیان خلافت، از تأثیرگذاری جانکاهی بر جسم بیمار آن بانو علیهاالسلام برخوردار بوده است. □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای متصدیان خلافت، مانع بهبودی آن بانو علیهاالسلام گردیده است. □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای متصدیان خلافت، به تشدید بیماری آن بانو علیهاالسلام و اتصال بیماری به مرگ، کمک شایانی کرده است. در نتیجه: □ این خشم و غضب رخ داده در حین بیماری، میان عملکردهای متصدیان خلافت و درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام، ارتباطی ناگسستنی پدید آورده است؛ به گونه‌ای که: دیگر نمی‌توان آن را «مرگی طبیعی» قلمداد کرد و تأثیرپذیری آن از رفتارهای متصدیان خلافت را منکر گردید؛ بلکه بایستی آن را «مرگی مظلومانه» به شمار آورد.

گفتار پنجم: واکنشی معصومانه و خداپسندانه

در مسیر پاسخگویی: گام پنجم

تا این مرحله از تحقیق و تفحص، به این نتیجه دست یافتیم که: آنچه بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام را تشدید نمود و موجبات عدم بهبودی ایشان را فراهم آورد، خشم و غضب ویژه آن حضرت علیهاالسلام از عملکردهای ناشایست حاکمان وقت بود. بدین ترتیب، درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام، از «مرگی عادی و طبیعی» به «مرگی مظلومانه» تبدیل گردید مرگی که تحت تأثیر مستقیم رفتارهای متصدیان خلافت پدید آمده بود. اما نکته مهمی که تاکنون بدان نپرداختیم، دقت در احادیثی است که با استناد به آنها ثابت می‌شود: □ خشم و غضب ویژه حضرت زهرا علیهاالسلام بر متصدیان خلافت که به مرگ مظلومانه ایشان انجامید، رنگ و صبغه‌ای خدایی داشت و واکنشی خداپسندانه نسبت به عملکردهای ناعادلانه صاحبان قدرت و حکومت بوده است. به عبارت دیگر، دقت در احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شأن و منزلت حضرت زهرا علیهاالسلام به روشنی ثابت می‌کند: □ عملکرد حضرت زهرا علیهاالسلام در مواجهه با رفتارهای ناعادلانه متصدیان خلافت (یعنی همان خشمناکی و غضب ورزی خاصی که بیماری ایشان را به سوی مرگ سوق داد)، مورد رضایت خدای متعال بوده است. هنگامی که صفحات کتب اهل سنت را ورق می‌زدیم، با احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه شدیم که همگی آنها، به وضوح بر این اصل بنیادین تصریح می‌نمودند که: ان الله عز و جل یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضایها. همانا خدای متعال به غضب فاطمه، غضب می‌کند؛ و به خشنودی او، خشنود می‌شود. □ یعنی: هر گونه خشم و غضبی که از سوی حضرت زهرا علیهاالسلام ابراز گردد، عملکردی خداپسندانه و واکنشی مورد رضای خدا، و به دور از هر گونه تمایلات شخصی و انگیزه‌های دنیوی می‌باشد. (۳۴) لذا، با استناد به این اصل بنیادین، باید گفت: □ بدون شک، خشمناکی حضرت زهرا علیهاالسلام در ماجرای اختلاف مالی با نظام خلافت، واکنشی خداپسندانه بوده است. □ بدون شک، حضرت زهرا علیهاالسلام با آگاهی کامل از این که خشم و غضب وی بر متصدیان حکومت، موجبات تشدید بیماری و عدم بهبودیش را فراهم می‌آورد، در راه رضای خدا، عوارض جانکاه این واکنش خداپسندانه را بر جسم بیمارش پذیرفت. □ بدون شک، حضرت زهرا علیهاالسلام با به جان خریدن آزرده‌گی‌های ناشی از این واکنش خداپسندانه، در راه رضای خدا، به استقبال مرگ شتافت.

گفتار ششم: شهادت در منطق صحابه

در مسیر پاسخگویی: گام آخر

روزهای متمادی در این اندیشه به سر می‌بردم: □ اگر شخص بیماری که به استراحت نیاز دارد تا بهبودی خود را باز یابد «در راه رضای خدا» آن چنان «خداپسندانه» بر عده‌ای غضب نماید که بیماری اش شدت یافته و به درگذشت او منتهی گردد؛ چرا مرگ او را نمی‌توان «شهادت»؟! امید بگذارید سؤالم را به شکل دیگری مطرح سازم: □ اگر بشنوید که فردی «در راه رضای خدا» به انجام عملی «خداپسندانه» اقدام نموده و در راه تحقق بخشیدن به آن عمل، آن قدر استقامت ورزیده تا جان خویش را از کف داده است؛ آیا از مرگ او به «شهادت» تعبیر نمی‌کنید؟! برای آن که با قاطعیت به پرسش‌هایم پاسخ مثبت دهید، با من همراه شوید تا نکته جالبی را برایتان بازگو نمایم: □ زینب همسر ابوالعاص بن ربیع پس از غزوه بدر (یعنی در سال دوم هجری)، از مکه، عازم شهر مدینه (= هجرت) شد. هبار بن اسود از کفار قریش در مسیر این هجرت، با حمله به کجاوه زینب، او را ترساند. [بنا بر نقل‌های تاریخی،] زینب نیز به دلیل زمین خوردن (یا وحشتزدگی) فرزندش را سقط نمود. او پس از این حادثه، سال‌ها در مدینه زندگی کرد تا سرانجام در سال هشتم هجری در حالی که هنوز آثاری از بیماری ناشی از سقط فرزندش را مشاهده می‌نمود از دنیا رفت. ابن کثیر دمشقی مورخ نامدار اهل سنت نقل می‌کند که: صحابه، [تنها با استناد به این نکته که زینب، شش سال قبل و در مسیر «هجرت» (که عملی خداپسندانه و در راه رضای خداست) به بیماری خاصی مبتلا گردیده بود که عوارض آن تا پایان حیاتش ادامه داشت] درباره مرگ زینب، بر این باور بودند که: «مات شهیده.» (۳۵) به راستی، اگر می‌توان به واسطه بیماری زینب، مرگ او را به هجرتش در شش سال قبل وصل کرد و درگذشت او را «شهادت»؛ دانست بی شک، در منطق صحابه، می‌توان از درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام نیز که به واکنش خداپسندانه‌اش بر حاکمان وقت اتصالی کامل داشت با عنوان «شهادت» یاد کرد. (۳۶)

پی‌نوشت

(۱) - علاقمندان را به مطالعه کتاب «خاستگاه خلافت» (تألیف: عبدالفتاح عبدالمقصود، ترجمه: دکتر سید حسن افتخارزاده، نشر آفاق) دعوت می‌نمایم. (۲) - علاقمندان را به مطالعه بخش دوم از کتاب «درسنامه‌های فاطمیه» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) دعوت می‌نمایم (۳) - صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ [نقل مشابه:] صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴. (۴) - صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲؛ [نقل مشابه:] مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲۵. (۵) - صحیح بخاری، حدیث شماره ۶۲۳۰؛ [نقل مشابه:] تاریخ المدینه (تألیف: ابن شهبه)، ج ۱، ص ۱۹۷. (۶) - مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲. (۷) - جامع الاصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶ (۸) - تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱. (۹) - تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳. (۱۰) - مشکل الآثار (تألیف: طحاوی)، ج ۱، ص ۴۷ - ۴۸ (۱۱) - سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل مشابه:] صحیح ابن حبان، ج ۱۱، ص ۱۵۲ - ۱۵۳. (۱۲) - سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل‌های مشابه:] المصنف (تألیف: صنعانی)، ج ۵، ص ۴۷۲؛ مسند ابی عوانه، ج ۴، ص ۲۵۱. (۱۳) - سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰. (۱۴) - علاقمندان را به مطالعه بخش یکم از کتاب «درسنامه‌های فاطمیه» دعوت می‌نمایم. (۱۵) - صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳. (۱۶) - مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲. (۱۷) - صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴. (۱۸) - صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲. (۱۹) - مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲ (۲۰) - معنای «فاء تفریع» در ادبیات عرب. (۲۱) - ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری»، ج ۶، ص ۱۳۹ بر همین نکته تصریح دارد (۲۲) - جامع الاصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶ (۲۳) - تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱. (۲۴) - تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳. (۲۵) - سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰. (۲۶) - در اثبات تعصب مذهبی او همین بس که وی جلد دوازدهم از شرحش بر کتاب نهج البلاغه را به دفاع از خلیفه دوم و ذکر فضائل ساختگی او اختصاص داده است. همچنین

بزرگان اهل سنت در کتاب‌های خود، به «معتزلی» بودن او تصریح نموده‌اند: الأعلام (تألیف: زرکلی)، ج ۳، ص ۲۸۹ و فیات الأعیان (تألیف: ابن خلکان)، ج ۵، ص ۳۹۱ - ۳۹۲. البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۱۹۹ سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۴ خاطر نشان می‌گردد که: ذهبی (متوفای ۷۴۸) و ابن کثیر (متوفای ۷۷۴) در کتاب‌های خود به «وثاقت» ابن ابی الحدید تصریح نموده‌اند: سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۵ البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۲۳۳ (۲۷) - شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۸۱. (۲۸) - هر چند برخی منابع اهل سنت، از عیادت شیخین نیز سخن به میان آورده‌اند [ر.ک: الامامه و السیاسه (تألیف: ابن قتی به)، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۳]؛ اما به دلیل جلوگیری از به انحراف کشیده شدن بحث در مقام مناظره، به ذکر آن نپرداختم و علاقمندان را به مطالعه صفحات ۱۶۶ - ۱۵۵ از بخش یکم کتاب «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیها السلام» (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) دعوت می‌نمایم (۲۹) - کارهه. (۳۰) - مبغضه. (۳۱) - بلاغات النساء (تألیف: ابن طیفور)، ص ۳۲ (چاپ: دارالنهضة الحدیثه بیروت). ابن طیفور (متوفای ۲۸۰ هجری در بغداد) از ادیبان و شعرای بنام اهل سنت در زمان خویش است. خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳) در توثیق او می‌نویسد: «کان احد البلقاء الشعراء الرواة و من اهل الفهم المذكورین ب العلم»... تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۱۱ (چاپ: دارالکتب العلمیه بیروت). خاندان او به «اولاد الدوله» یا «ابناء الدوله» یعنی «فرزندان حکومت» مشهور بودند، زیرا نسبت به دربار و حکومت خلفای عباسی سرسپردگی و ارادت کامل داشتند. او کتابی در ۱۴ جلد با عنوان «المنثور و المنظوم» نوشت که مشتمل بر متون نثر و نظم از بزرگان و مشاهیر بود و در حال حاضر فقط جلد ۱۱ - ۱۲، و ۱۳ آن موجود می‌باشد. کتاب «بلاغات النساء» جلد ۱۱ آن است که به چاپ رسیده و سایر مجلدات، خطی است. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۷۲ - ۶۷۶. «بلاغات النساء» به معنی «سخنان شیوای زنان» است و گلچینی از خطبه‌ها و گفته‌های فصیح بانوان می‌باشد که از «طریق رویان» به دست وی رسیده است. او بخش‌های کتاب را بر اساس اسامی زنان صاحب سخن، نام گذاری کرده است. وی ترتیب اسامی را الفبایی قرار نداده، بلکه تا حد زیادی بر اساس مذهب خود، اسامی را اولویت بندی کرده و لذا کتابش با «کلام عائشه ام المؤمنین» آغاز شده و سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، پس از آن قرار گرفته است. وی در نخستین کلام عایشه، سخنی از او می‌آورد که در، آن عایشه به دفاع از عملکرد پدرش و مدح و ثنای همه جانبه و اغراق آمیز او پرداخته است. (۳۲) - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۶: ص ۲۳۳؛ به نقل از «السقیفه و فدک» (تألیف: ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری، متوفای ۳۲۳). (۳۳) - برخی منابع اهل سنت، حاوی اشاره‌هایی به سقط حضرت محسن علیه السلام در ماجرای هجوم به بیت فاطمه علیها السلام می‌باشند که چون استناد به آن‌ها نیازمند چینش مقدمات متعددی است، از اشاره به آن‌ها چشم پوشی نموده و علاقمندان را به مطالعه صفحات ۷۷ - ۹۳ و ۱۰۹ - ۱۱۳ و ۱۲۰ - ۱۲۴ و ۱۳۵ - ۱۴۷ بخش یکم از کتاب، «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیها السلام» دعوت می‌نمایم بدیهی است که سقط حضرت محسن علیه السلام خواه آن را به دلیل ترس پدید آمده توسط مهاجمین یا لطمات جسمانی پدید آمده در ماجرای هجوم بدانیم و یا هر دلیل دیگری (و لو طبیعی!) برای آن قائل شویم، بیماری جسمانی شدیدی را به همراه آورده است. (۳۴) - این اصل بنیادین از «تواتر معنوی» برخوردار می‌باشد؛ زیرا هنگامی که صفحات منابع معتبر اهل سنت را ورق می‌زنیم، با احادیث متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه می‌شویم که همگی آن‌ها، همین مضمون را یادآوری می‌نمایند. برخی از مشاهیر اهل سنت که این قبیل احادیث را نقل یا ثبت کرده‌اند، عبارت‌اند از: ابن مثنی بصری متوفای ۲۵۲. ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ - ۸۳. ابوبکر بن ابی عاصم (متوفای ۲۸۷) ر.ک: الاصابه، ج ۸، ص ۵۷؛ شرح المواهب، ج ۴، ص ۳۳۰ ابویعلی موصلی (متوفای ۳۰۷) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۹۰ ابوالقاسم طبرانی (متوفای ۳۶۰) ر.ک: معجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۱۸۲؛ ج ۲، ص ۴۰۱، ح ۱۰۰۱ حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵) ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳۰ [با توجه به این که حاکم نیشابوری در کتاب خود، احادیث صحیح را طبق شروط بخاری و مسلم آورده است؛ باید گفت: حدیث فوق، بر طبق مبنای بخاری و مسلم، صحیح است و

مورد قبول آن دو نیز می‌باشد. [ابوسعبد خرگوشی (متوفای ۴۰۶) ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ - ۸۳. ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸ ابن اثیر (متوفای ۶۳۰) ر.ک: اسد الغابه، ج ۶، ص ۲۲۴ ابن نجار بغدادی (متوفای ۶۴۳) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۷۴، ح ۳۷۷۲۵ سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴) ر.ک: تذکره خواص الامه، ص ۲۷۹ محب الدین طبری (متوفای ۶۹۴) ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ - ۸۳. ابوحجاج مزی (متوفای ۷۴۲) ر.ک: تهذیب الکمال، ج ۲۲، ص ۳۷۹ ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲) ر.ک: الاصابه، ج ۸، ص ۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۲ ابن حجر مکی [هیتمی] (متوفای ۹۵۴) ر.ک: الصواعق المحرقة، ص ۱۰۵ متقی هندی (متوفای ۹۷۵) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸؛ ج ۱۳، ص ۶۷۴، ح ۳۷۷۲۵ (۳۵) - «و ذکر حماد بن سلمه عن هشام بن عروه عن ابيه: انها لما هاجرت دفعها رجل فوقت على صخرة فاسقطت حملها، ثم لم تزل وجعه حتى ماتت فكانوا يروا ماتت شهيده. «البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۵، ص ۳۰۸ (چاپ: مکتبه النصر ریاض، ۱۹۶۶) و ج ۵، ص ۲۱۶ (چاپ: مؤسسه التاریخ العربی بیروت). (۳۶) - الشهد فی الشرع، القتل فی سبیل الله. زبیدی حنفی (متوفای ۱۲۰۵) تاج العروس فی شرح القاموس، ج ۲، ص ۳۹۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (خط طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رَهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».